

Explaining and Analyzing Extravagance in Lawful Works from the Perspective of the Holy Quran and its Educational Requirements

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Manijeh Shajari¹

Narges Keshti Arai^{2*}

Alireza Yousefi³

How to cite this article

Manijeh Shajari, Narges Keshti Arai, Alireza Yousefi, Explaining and Analyzing Extravagance in Lawful Works from the Perspective of the Holy Quran and its Educational Requirements, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:3(5): 137-152.

1. PhD student in Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences, Psychology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Faculty of Educational Sciences, Psychology, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Medical Education, Medical Education Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran Explaining and analyzing extravagance in lawful work from the perspective of the Holy Quran and its educational requirements

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: keshtiaray@gmail.com

Article History

Received: 2019/12/24

Accepted: 2020/03/02

Published: 2020/03/16

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study was to explain and analyze extravagance in lawful work from the perspective of the Holy Quran and its educational requirements.

Materials and Methods: This research explains and analyzes extravagance in lawful works from the perspective of the Holy Quran and its educational requirements by using the method of deductive content analysis with the method of Meering.

Findings: Extravagance in lawful deeds such as (extravagance in eating and drinking halal, extravagance in the use of ornaments, extravagance in the use of natural resources, extravagance in worship, extravagance in charity, extravagance in judicial rulings, not extravagance in murder and the quality of retribution of the murderer, Extravagance in economic affairs, extravagance in living expenses, extravagance in covenants, extravagance in social associations) are examined that educational requirements such as (excessive in all matters, lack of arrogance and its destructive effects, extravagance, lack of extravagance In deeds and words, not oppressing others, avoiding corruption, not extravagance in forgiveness and the effects of excessive forgiveness, forbidding excesses and extravagance in almsgiving, not extravagance in spending money, not restraining in spending, not stingy belief in Divine promises are the concealment of divine blessings, ingratitude, trust in God's grace, avoidance of stinginess, etc.) have been extracted according to the interpretations of the Qur'an.

Conclusion: According to the results of the religion of Islam, the legitimate use of divine blessings and the possibilities of life is permissible, permissible and extravagant, and extravagance is forbidden. This is because the Muslim is responsible to society in proportion to his capabilities and ability and efficiency.

Keywords: Quran, lawful deeds, extravagance, extravagance, authority, extravagance, educational requirements

تبیین و تحلیل اسراف در کارهای حلال از منظر قرآن کریم و الزامات تربیتی آن

منیژه شجری^۱

دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد اصفهان(خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

نرگس کشتی آرای^۲*

دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد اصفهان(خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسول).

علیرضا یوسفی^۳

استاد، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر تبیین و تحلیل اسراف در کارهای حلال از منظر قرآن کریم و الزامات تربیتی آن بود.

مواد و روش ها: این پژوهش با روش تحلیل محتوای قیاسی با روش مایرینگ، به تبیین و تحلیل اسراف در کارهای حلال از منظر قرآن کریم و الزامات تربیتی آن می‌پردازد.

یافته ها: اسراف در کارهای حلالی همانند (اسراف در خوردن و آشامیدن حلال، اسراف در استفاده از زینت‌ها، اسراف در استفاده از منابع طبیعی، اسراف در عبادت، اسراف در انفاق، اسراف در احکام قضایی، عدم اسراف در قتل و کیفیت قصاص قاتل، اسراف در کارهای اقتصادی، اسراف در خرج و مخارج زندگی، اسراف در عهد و پیمان، اسراف در معاشرت‌های اجتماعی) مورد بررسی قرار می‌گیرد که الزامات تربیتی همانند (زیاده‌روی در تمام امور، عدم تکبر و آثار مخرب آن، علو اسراف، عدم اسراف در اعمال و گفتار، عدم ظلم به دیگران، دوری از فساد، عدم اسراف در بخشش و آثار بخشش بیش از حد، نهی از افراط و تفریط در انفاق است، عدم اسراف در بذل بیت‌المال، عدم امساک در خرج کردن، عدم ایمان بخیل به وعده‌های الهی، کتمان نعمت‌های الهی ناسپاسی است، اعتماد به فضل خداوند دوری از بخل و ...) با توجه به تفاسیر قرآن استخراج شده است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج دین مبین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و امکانات زندگی را مباح، روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند. این به این دلیل است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد.

کلیدواژه: قرآن، کارهای حلال، اسراف، تبذیر، اقتار، اتراف، الزامات تربیتی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

*نویسنده مسؤل: keshtiaray@gmail.com

مقدمه

پدیده مصرف‌گرایی و اسراف، که در نقطه مقابل مصرف بهینه قرار دارد، یکی از بزرگترین آفات‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی و از گناهانی است که مورد نهی شدید خدای متعال واقع شده است و مقابل اعتدال و میانه‌روی در مصرف قرار گرفته است. به طور کلی اسراف هرگونه زیاده‌روی در کمیت و اتلاف منابع را در برمی‌گیرد. یکی از علل اصلی آسیب‌های محیط زیست‌های و اجتماعی، مصرف‌گرایی است مصرف‌گرایی، اصطلاحی است که برای توصیف آثار و پیامدهای جمع‌آوری و اموال و خرید مواد برای افزایش خوشبختی و موقعیت اجتماعی به کار می‌رود. مصرف‌گرایی عامل تخریب رشد، توسعه و از بین رفتن منابع ملی است؛ زیرا میل به مصرف بی‌رویه نیازی کاذب است که گاه به تقلید از دیگران، تبلیغات، شرایط مادی یا تغییرات ساختار جامعه ایجاد می‌شود.

در دین مبین اسلام و قرآن نسبت به مصرف و مصرف‌گرایی توصیه‌های بسیاری شده است و برخی آیات قرآن و سخنان معصومین(ع) بیان‌گر این قضیه‌ی مهم است؛

«حضرت امیر (ع) می‌فرمایند: زیاده‌روی و اسراف مکن زیرا بخشش (اسراف‌کار) مورد ستایش نیست و تنگدستی او هم مورد ترحم واقع نمی‌شود» (۱).

امام عسگری (ع) نیز در نامه‌ای که برای یکی از شیعیان فرستادند، او را به توانگری بشارت داده و توصیه فرمودند: «بر تو باد به میانه‌روی و اعتدال و برحذر باش از اسراف؛ زیرا این عمل از کارهای شیطان است» (۲).

از سوی دیگر، «اسراف» در معانی گزاف‌کاری کردن، در گذشتن از حد میانه و نیز تلف کردن مال، ولخرجی کردن، افراط و تبذیر به کار رفته است. «صرفه‌جویی» را نیز اندازه نگاه داشتن در خرج، پس‌انداز کردن و اقتصاد تعریف شده است. «مصرف کردن» یعنی استفاده درست و به اندازه از منابع طبیعی برای زنده ماندن و زندگی کردن. مصرف بیش از حد، دارای بار منفی در جامعه بوده و آثار مهمی بر زندگی سازگار با محیط زیست جوامع باقی می‌گذارد شواهد امید بخشی وجود دارد مبنی بر اینکه سبک زندگی ساده، افراط‌گرایی اقتصاد نوین را رد کرده و مصرف‌کنندگان را درگیر زندگی سازگار با محیط زیست می‌کند.

دین مبین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و امکانات زندگی را مباح، روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند. این به این دلیل است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد. در این صورت، فرد اسراف‌کار به اجبار از اجرای مسئولیت و تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و از این رهگذر، بر پیکر جامعه ضربه می‌زند. دین اسلام، دین اعتدال، میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است.

از منظر تعالیم دین اسلام، نه تنها مصرف کردن امری مذموم و ناپسند نیست، بلکه مورد تشویق هم واقع می‌شود. البته با رعایت شرایط خاصی همانند:

۱. اطعام مستمندان: «پس بخورید از آن و به مستمندان و فقیران طعام دهید» (۳).

لا يزال الهی داستان‌ها، پندها، راه زندگی و سعادت و دستورات لازم مبنی بر داشتن زندگی صحیح و سالم بیان شده است. مصرف و مصرف‌گرایی:

مصرف واژه‌ای است عربی، مصدر میمی است و اسم زمان و مکان است به معنای خرج کردن و زمان و مکان خرج نمودن و در زبان فارسی به معنای هزینه می‌باشد (۱۱).

«مصرف (Consumption) در لغت به معنای خرج کردن (۱۲) و در اصطلاح اقتصادی تعریف‌های گوناگونی برای آن ارایه شده است.

«مصرف عبارت است از ارزش‌های پولی کالاها و خدماتی که به وسیله افراد خریداری و تهیه می‌شود»

«درآمد خالص به دو منظور استفاده می‌شود. بخشی از آن، به انباشتن ثروت و پس‌انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر، صرف تحصیل لذت می‌شود، آن قسمت از درآمد که صرف به دست آوردن لذت می‌شود، مصرف نامیده می‌شود»

مصرف‌گرایی با تغییر اندیشه مردم درباره مصرف پدید می‌آید. در زمان‌های گذشته مردم به تهیه کالاها و خدمات ضرور درجه اول و بعد کالاهای غیر ضرور با اولویت و توان خرید خود می‌پرداختند و در تهیه و تولید مایحتاج خود نقش داشتند و این اندیشه رایج مردم بود اما برای اشاعه مصرف‌گرایی لازم بود این نوع نگرش تغییر یابد؛ بنابراین به وسیله تبلیغات از طریق وسایل ارتباط جمعی در نوع نگرش مردم تغییر داده شد و مردم در پی هر چه بیشتر مصرف کردن بودند و هستند. در این تغییر اصلی اساسی این بود که مصرف تبدیل به یک ارزش و هنجار شد و مصرف‌گرایی دیگر نكوهیده نبود، نظام سرمایه‌داری از رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای آماده‌سازی بسترهای فرهنگی و فکری مصرف‌گرایی بهره می‌گیرد و قشرهای اندیشه‌ور و متوسط را هدف خود قرار می‌دهد.

مصرف‌گرایی مسئله‌ای بین‌المللی است که از دید خرد و کلان قابل بررسی است. امروزه مصرف‌گرایی بی‌رویه گریبان‌گیر اکثر کشورها شده است. شرکت‌های چند ملیتی و جهانی، مناطق آزاد، فضای مجازی اینترنت و تبلیغات ماهواره‌ای مرزها را در هم شکسته و مخاطبان خود را پیدا می‌کند. این وسایل، سلیقه‌ها و فرهنگ مصرف را تغییر می‌دهند.

در باور آدام اسمیت و اقتصاددانان دیگر، مصرف غیرتولیدی و شخصی با توسعه مغایر است. و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری عامل اصلی توسعه می‌باشد.

از دید جامعه‌شناسان نیروهای اجتماعی، شکل دهنده و مؤثر در تعیین مقدار، حجم، محتوا و الگوهای مصرف هستند که باید به آنها توجه شود و با تغییر آنها، الگوها نیز تغییر می‌یابند. یعنی با تغییر فرهنگ، الگوهای جدید مصرف شکل می‌گیرند یا الگوهای پیشین اصلاح می‌شوند» (۱۳).

مصرف‌گرایی عبارت است از: اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن دارایی‌های مادی. برخی مصرف‌گرایی را به معنای برابر دانستن خوشبختی شخصی با خرید دارایی‌های مادی و مصرف گرفته‌اند (۱۳).

۲. عدم اسراف: «و بخورید و بیاشامید و اسراف می‌کنید». (۴).

۳. میانه‌روی: امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس در زندگی میانه‌روی باشد، پیوسته بی‌نیاز خواهد بود و میانه‌روی کمبودهایش را جبران می‌کند»

۴. عدم تبذیر: امام عسکری (ع) می‌فرماید: میانه‌روی اندازه‌ای دارد. اگر از آن مقدار بگذرد، خسیسی و بخیلی است.

در قرآن کریم واژه‌ی «اسراف» و مشتقات آن بارها به کار رفته است، در بیست و سه مورد لفظ «اسراف» استعمال شده که در هر مورد، این واژه مفهومی ویژه دارد. در غالب موارد، مقصود از «اسراف»، جنبه‌های اخلاقی، عقیدتی و تجاوز از حدود الهی است، تنها در چهار مورد، اسراف جنبه مالی را شامل می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «این‌گونه برای اسرافکاران اعمالشان زینت داده شده است» (۵)؛ «اطاعت‌فرما مسرفان نکنید» (۶)؛ «و به راستی فرعون برتری‌جویی (و طغیان) در زمین روا داشت و او از اسراف‌کاران بود» (۷) «آنان که در هنگام انفاق نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، بلکه بین این دو راه اعتدال را انتخاب می‌کنند» (۸).

خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: «از رفتار رؤسای مسرف ستمگر پیروی نکنید» (۹)؛ «پس از آن همه ظهور معجزات و ابطال سحر ساحران باز آن مردم باطل‌پرست به درستی ایمان نیاوردند جز فرزندان فیله او، آن هم با حال ترس از فرعون و اتباعش که مبادا درصدد فتنه و قتلشان برآیند که فرعون آن روز در زمین بسیار علو و سرکشی داشت. البته او از ستمکاران و سخت‌متعدی و مسرف بود» (۱۰).

با توجه به نهي شديد از مصرف‌گرایی افراطی و اسراف در دستورات و تعالیم اسلامی، می‌توان گفت بین مصرف و مصرف‌گرایی در جامعه تفاوت وجود دارد؛ چرا که «مصرف» به خودی خود عاملی مؤثر در تولید، رشد و توسعه اقتصادی است و موجب ایجاد تقاضا، عرضه و تولید می‌گردد. آنچه که مذموم و موجب هدر رفتن منابع ملی است، مصرف نامناسب، نامتعارف و یا عدم برخورداري از الگوی صحیح مصرف در جامعه است که موجب مصرف‌گرایی، زیاده‌روی و تجمل‌گرایی در جامعه می‌گردد. از این‌رو، فرهنگ‌سازی مصرف بهینه و اصلاح زمینه‌های الگوهای مصرفی در کشور از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است. از مهم‌ترین آثار و پیامدهای اسراف و مصرف‌گرایی در جامعه اسلامی، که موجب کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای دینی و معنوی می‌شود.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد عدم اسراف در کارهای حلال می‌باشد، کارهایی که از منظر دین اسلام و قرآن کارهایی پسندیده می‌باشد اما اسراف در آن خود نتایج خوبی به بار نمی‌آورد و نهي شده است.

قرآن:

کتابی است متصل به منبع وحی که دستورات اخلاقی و سبک زندگی و راه سعادت و خوشبختی را برای انسان‌ها بیان نموده است، قرآن کریم در مدت ۲۳ سال به تدریج بر آخرین پیامبر خدا محمدمصطفی (ص) نازل گردید و در این آیات متصل به وجود

اسراف در اصطلاح، به معنی زیاده‌روی در کمیت و کیفیت، بیهوده‌گرایی، اتلاف و خرج شدن از حد اعتدال است که در همهی زمینه‌ها نكوهش شده و موجب هلاکت انسان می‌شود.

«اسراف» به معنی تجاوز از حد اعتدال است، و این جمله می‌تواند اشاره به عدم اسراف در خوردن و یا عدم اسراف در بخشش بوده باشد، زیرا پاره‌ای از اشخاص به قدری دست و دل‌بازند که هر چه دارند به این و آن می‌دهند و خود و فرزندانشان معطل می‌مانند. از سوی دیگر، «اسراف» در معنای گزاف‌کاری کردن، در گذشتن از حد میانه و نیز تلف کردن مال، ولخرجی کردن، افراط و تذبذب به کار رفته است. «صرفه‌جویی» را نیز اندازه نگاه داشتن در خرج، پس‌انداز کردن و اقتصاد تعریف شده است.

اسراف از منظر قرآن:

در قرآن کریم واژه‌ی «اسراف» و مشتقات آن بارها به کار رفته است، در بیست و سه مورد لفظ «اسراف» استعمال شده که در هر مورد، این واژه مفهومی ویژه دارد. در غالب موارد، مقصود از «اسراف»، جنبه‌های اخلاقی، عقیدتی و تجاوز از حدود الهی است، تنها در چهار مورد، اسراف جنبه مالی را شامل می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «این‌گونه برای اسرافکاران اعمالشان زینت داده شده است» (۵)؛ «اطاعت از فرمان مسرفان نکنید» (۶) «و به راستی فرعون برتری‌جویی (و طغیان) در زمین روا داشت و او از اسراف‌کاران بود» (۷). «آنان که در هنگام اتفاق نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، بلکه بین این دو راه اعتدال را انتخاب می‌کنند» (۸).

خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: «از رفتار رؤسای مسرف ستمگر پیروی نکنید» (۹)؛ «پس از آن همه ظهور معجزات و ابطال سحر ساحران) باز آن مردم باطل‌پرست به درستی ایمان نیاوردند جز فرزندان فبیله او، آن هم با حال ترس از فرعون و اتباعش که مبادا درصدد فتنه و قتلشان برآیند که فرعون آن روز در زمین بسیار علو و سرکشی داشت. البته او از ستمکاران و سخت‌متعدی و مسرف بود» (۷).

خداوند متعال در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی اعراف اسراف را مذموم و دوری از رحمت الهی می‌داند و از آن نهی می‌کند و می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (۱۶).

اسراف از منظر بزرگان دین:

در دین مبین اسلام و قرآن نسبت به مصرف و مصرف‌گرایی توصیه‌های بسیاری شده است و برخی آیات قرآن و سخنان معصومین (ع) بیان‌گر این قضیه‌ی مهم است:

امام علی (ع) در مورد اسراف می‌فرماید: «اسراف، ثروت زیاد را هم به فنا می‌دهد».

در جایی دیگر امام موسی کاظم میانه‌روی را باعث پایداری نعمت می‌داند و می‌فرماید:

کسی که در زندگی میانه‌روی و قناعت ورزد، نعمت او باقی می‌ماند و آنکه با ریخت و پاش و اسراف زندگی کند نعمتش از بین می‌رود (۱۷).

مصرف‌گرایی در ادبیات دینی با مفاهیم اسراف، تذبذب و اتلاف مطابقت دارد و این مفاهیم، افعال ناپسند و حرام هستند؛ بنابراین مصرف بی‌رویه و هدف قرار دادن مصرف جایز نیست (۱۳). انواع مصرف در اسلام:

مصرف افراد در اسلام به صورت کلی به پنج دسته تقسیم می‌گردد: ۱- مصارف واجب، که به منظور تأمین نیازهای ضرور خود و افراد تحت تکفل و انجام واجبات عبادی استفاده می‌شود مانند خوراک و پوشاک و حج تمتع؛ ۲- مصارف مستحب، که به منظور جلب رضای الهی، اهداف خدایسندانه و خیرخواهانه و کسب ثواب صورت می‌گیرد؛ ۳- مصارف حرام، که در راه‌های نامشروع و حرام و در مواردی که از حد شرعی و نیاز خارج است استفاده می‌شود مانند اسراف و تذبذب و مصرف‌گرایی بی‌رویه؛ ۴- مصارف مکروه، که شامل مصرف بیش از حد متعارف و همچنین سخت‌گیری در مصرف روزمره است؛ ۵- مصارف مباح که شامل مواردی غیر از موارد پیش گفته است و نکوهش و ثوابی در آن نیست.

در این مقاله ما به مصرف در واجبات و انجام کارهای حلال می‌پردازیم.

تربیت در لغت و کلام بزرگان:

تربیت از ریشه ربو و از باب تفعیل است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آن‌ها بر وزن تفعله می‌شود (۱۴).

تربیت در لغت در زبان و فارسی، به معنای «پروردن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا بالغ شدن» و به معنای «آموزش و پرورش» هم آمده است. اهل لغت اغلب تربیت را با توجه به ریشه‌ی «رب، یرب» تعریف کرده‌اند.

تربیت در اصطلاح، در نزد اندیشمندان اسلامی، به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی است که خدا در انسان به ودیعت نهاده و با استفاده از عقل و نقل می‌توان آن‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل و نمایان کرد (۱۴).

از نظر ابن‌سینا تربیت، برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شوون اجتماعی برای وصل انسان به کمال دنیوی و سعادت جاودان الهی .

از نظر دیوبندی تربیت مجموعه‌ی فرآیندهایی است که از راه آن‌ها، گروه یا جامعه - چه کوچک و چه بزرگ - توانایی‌ها و خواسته‌های خود را به اعضا و نسل‌های جدید منتقل می‌کند تا بقا و رشد پیوسته‌ی خویش را تضمین کند.

اسراف در لغت و اصطلاح:

اسراف در لغت به معنای گزاف‌کاری کردن، درگذشتن از حد میانه، تلف کردن مال، ولخرجی کردن، فراخ روی، فراخ رفتاری، افراط، تذبذب و ولخرجی می‌باشد.

راغب اصفهانی می‌گوید: «اسراف به معنی تجاوز از حد و معیار در هر کاری است که از انسان سر بزند، گرچه استعمال آن در موارد زیاده‌روی در انفاق مال، بیشتر است».

همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است» (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ).

اگر این امور، بد بود، خدا نمی‌آفرید، و اکنون که برای استفاده بندگان آفریده است چگونه ممکن است آنها را تحریم کند؟ مگر میان دستگاه آفرینش و دستورات دینی تضاد ممکن است وجود داشته باشد؟! سپس برای تأکید اضافه می‌کند: به آنها «بگو این نعمتها و موهبتها برای افراد با ایمان در این زندگی دنیا آفریده شده، اگر چه دیگران نیز بدون داشتن شایستگی از آن استفاده می‌کنند ولی در روز قیامت و زندگی عالتر که صفوف کاملاً از هم مشخص می‌شوند، اینها همه در اختیار افراد با ایمان و درستکار قرار می‌گیرد، و دیگران به کلی از آن محروم می‌شوند!» (قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (۱۵).

بنابراین چیزی که در دنیا و آخرت مال آنها است و مخصوصاً در جهان دیگر اختصاص به آنها دارد چگونه ممکن است تحریم گردد؟ حرام چیزی است که مفسده‌انگیز باشد، نه نعمت و موهبت.

این احتمال نیز در تفسیر این جمله داده شده است که این مواهب در دنیا اگر چه آمیخته با گرفتاریها و گاهی با غم و رنجها و اندوه‌ها است، ولی در سرای دیگر، خالص از همه این ناملایمات در اختیار مؤمنان قرار خواهد گرفت (ولی تفسیر اول مناسبتر به نظر می‌رسد).

در پایان آیه به عنوان تأکید می‌گوید: «این چنین آیات و احکام خود را برای جمعیتی که آگاهند و می‌فهمند تشریح می‌کنیم» (كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)... (۱۵).

یک دستور مهم بهداشتی جمله «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا»: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید» که در آیه فوق آمده است، گرچه بسیار ساده به نظر می‌رسد، اما امروز ثابت شده است (۱۵).

که یکی از مهمترین دستورات بهداشتی همین است، زیرا تحقیقات دانشمندان به این نتیجه رسیده که سرچشمه بسیاری از بیماریها، غذاهای اضافی است که به صورت جذب نشده در بدن انسان باقی می‌ماند، این مواد اضافی هم بار سنگینی است برای قلب و سایر دستگاههای بدن، و هم منبع آماده‌ای است برای انواع عفونتها و بیماریها، لذا برای درمان بسیاری از بیماریها، نخستین گام همین است که این مواد مزاحم که در حقیقت زباله‌های تن انسان هستند، سوخته شوند و پاکسازی جسم عملی گردد. (۱۵).

مراد از نهی از اسراف در: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» و اینکه فرمود: «وَلَا تُسْرِفُوا» معنایش این است که در استفاده از میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز می‌کنید، درست است که شما صاحب آن هستید و لیکن نمی‌توانید در خوردن میوه‌ها و غلات و بذل و بخشش از آن زیاده‌روی نکنید، و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین نموده به کار بزنید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید. و همچنین فقیری که از شما می‌گیرد نمی‌تواند در آن اسراف نموده مثلاً آن را تزیین کند. پس آیه مطلق و خطاب آن شامل جمیع مردم است چه مالک و چه فقیر. و اینکه بعضی گفته‌اند: خطاب آیه مختص به مالک

امام صادق (ع) می‌فرماید: «در آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد، اسراف نیست؛ بلکه اسراف در چیزهایی است که مال را از بین برده و به بدن صدمه بزند» (۱۸). اسراف در کارهای حلال:

«مصرف کردن» یعنی استفاده درست و به اندازه از منابع طبیعی برای زنده ماندن و زندگی کردن. مصرف بیش از حد، دارای بار منفی در جامعه بوده و آثار مهمی بر زندگی سازگار با محیط زیست جوامع باقی می‌گذارد شواهد امید بخشی وجود دارد مبنی بر اینکه سبک زندگی ساده، افراط‌گرایی اقتصاد نوین را رد کرده و مصرف‌کنندگان را درگیر زندگی سازگار با محیط زیست می‌کند.

دین مبین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و امکانات زندگی را مباح، روا و اسراف و زیاده روی را حرام و ناروا می‌داند. این به این دلیل است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد. در این صورت، فرد اسراف کار به اجبار از اجرای مسئولیت و تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و از این رهگذر، بر پیکر جامعه ضربه می‌زند. دین اسلام، دین اعتدال، میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است. دین اسلام اسراف در کارهای حلال مانند (خوردن و آشامیدن، استفاده از زینت‌های حلال، استفاده از منابع طبیعی، عبادت، انفاق، بیت‌المال، کارهای اقتصادی، عهد و پیمان و مخارج زندگی و...) را ناپسند می‌شمرد و از آن نهی می‌نماید. در ذیل به مصادیق اسراف در کارهای حلال می‌پردازیم.

اسراف در خوردن و آشامیدن حلال: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱۶) «ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی اتخاذ کنید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید زیرا او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (۱۶) (۱۹).

در جمله بعد اشاره به مواهب دیگر یعنی خوردنیها و آشامیدنیهای پاک و پاکیزه می‌کند و می‌گوید از آنها «بخورید و بنوشید» (وَكُلُوا وَ اشْرَبُوا) (۱۵).

اما چون طبع زیاده طلب انسان، ممکن است از این دو دستور سوء استفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد، بلافاصله اضافه می‌کند «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد» (وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ).

کلمه «اسراف» کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، و این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، فوراً جلو سوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند.

در آیه بعد با لحن تندتری به پاسخ آنها که گمان می‌برند، تحریم زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزیهای پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، می‌پردازد و می‌گوید: ای پیامبر «بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان آفریده و

اما چون طبع زیاده طلب انسان، ممکن است از این دو دستور سوءاستفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل‌پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد، بلافاصله اضافه می‌کند «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد» (وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ).

کلمه «اسراف» کلمه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، و این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، فوراً جلو سوءاستفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند.

در آیه بعد با لحن تندتری به پاسخ آنها که گمان می‌برند، تحریم زینتها و پرهیز از غذاها و روزیهای پاک و حلال، نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، می‌پردازد و می‌گوید: ای پیامبر «بگو چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگانش آفریده و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است» (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ).

اگر این امور، بد بود، خدا نمی‌آفرید، و اکنون که برای استفاده بندگانش آفریده است چگونه ممکن است آنها را تحریم کند؟ مگر میان دستگاه آفرینش و دستورات دینی تضاد ممکن است وجود داشته باشد؟ سپس برای تأکید اضافه می‌کند: به آنها «بگو این نعمتها و موهبتها برای افراد با ایمان در این زندگی دنیا آفریده شده، اگر چه دیگران نیز بدون داشتن شایستگی از آن استفاده می‌کنند ولی در روز قیامت و زندگی عالتر که صفوف کاملاً از هم مشخص می‌شوند، اینها همه در اختیار افراد با ایمان و درستکار قرار می‌گیرد، و دیگران به کلی از آن محروم می‌شوند!» (قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (۱۵).

بنابراین چیزی که در دنیا و آخرت مال آنها است و مخصوصاً در جهان دیگر اختصاص به آنها دارد چگونه ممکن است تحریم گردد؟ حرام چیزی است که مفسده‌انگیز باشد، نه نعمت و موهبت.

این احتمال نیز در تفسیر این جمله داده شده است که این مواهب در دنیا اگر چه آمیخته با گرفتاریها و گاهی با غم و رنجها و اندوه‌ها است، ولی در سرای دیگر، خالص از همه این ناملایمات در اختیار مؤمنان قرار خواهد گرفت (ولی تفسیر اول مناسبتر به نظر می‌رسد).

در پایان آیه به عنوان تأکید می‌گوید: «این چنین آیات و احکام خود را برای جمعیتی که آگاهند و می‌فهمند تشریح می‌کنیم» (كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ).

زینت و تجمل از نظر اسلام در مورد استفاده از انواع زینتها، اسلام مانند تمام موارد، حد اعتدال را انتخاب کرده است، نه مانند بعضی که می‌پندارند استفاده از زینتها و تجملات هر چند به صورت معتدل بوده باشد، مخالف زهد و پارسایی است، و نه مانند تجمل‌پرستانی که غرق در زینت و تجمل می‌شوند، و تن به هر گونه عمل نادرستی برای رسیدن به این هدف نامقدس می‌دهند.

آن اموال است. و همچنین اینکه بعضی دیگر گفته‌اند: خطاب تنها متوجه زمامداری است که صدقات را از صاحبان این اموال می‌گیرد. و همچنین اینکه بعضی گفته‌اند: معنایش این است که میوه‌ها را قبل از چیدن مخورید تا در نتیجه حق فقرا را کم کنید. و نیز اینکه عده‌ای دیگر گفته‌اند: معنای آیه این است که از دادن مقدار واجب کوتاهی نکنید.

و یا گفته‌اند معنایش این است که: این اموال را در راه معصیت صرف نکنید، صحیح نیست، و با اطلاق آیه و سیاق آن نمی‌سازد. (۱۵).

پس از ذکر این همه نعمتهای گوناگون، پروردگار می‌گوید: «از میوه آنها به هنگامی که به ثمر نشست، بخورید ولی فراموش نکنید که به هنگام چیدن، حق آن را باید ادا کنید» (كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ).

و در پایان، فرمان می‌دهد که «اسراف نکنید، زیرا خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ). (۱۵).

اسراف در استفاده از زینت‌ها: در تفسیر آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی اعراف در ارتباط با عدم اسراف در زینت‌های حلال چنین اشاره شده که:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»

راغب می‌گوید: کلمه «سرف» به معنای تجاوز از حد است در هر عملی که انسان انجام می‌دهد و لیکن این معنا در انفاق مشهورتر است»

پس اینکه بعضی از مفسرین گفته‌اند آیه «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» دلالت دارد بر اینکه رسول خدا (ص) مبعوث به جمیع امم دنیا است. و همچنین اینکه گفته‌اند خطاب در این آیه به حسب لغت زنان را شامل نمی‌شود و لیکن به حسب شرع آنان را به تبع مردها شامل می‌شود، صحیح نیست، زیرا همانطوری که گفتیم این خطاب اختصاص به امت اسلام ندارد و شمولش نسبت به زنان از ناحیه تغلیب و وجود قرینه عقلی است نه به حسب شرع. (۱۹)

نکته

در این آیات به تناسب سرگذشت آدم در بهشت، هم چنان سخن از مسأله پوشش تن و سایر مواهب زندگی و چگونگی استفاده صحیح از آنها است.

نخست به همه فرزندان آدم به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می‌شود دستور می‌دهد که «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید» (يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ). (۱۵).

این جمله می‌تواند هم اشاره به «زینتهای جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباسهای مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود، و هم شامل «زینتهای معنوی»، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص...

در جمله بعد اشاره به مواهب دیگر یعنی خوردنیها و آشامیدنیهای پاک و پاکیزه می‌کند و می‌گوید از آنها «بخورید و بنوشید» (و كُلُوا وَاشْرَبُوا) (۱۵).

به هر حال روش قرآن و اسلام در این مورد، روش موزون و معتدلی است که نه جمود دارد و تمایلات زیباپسندی روح انسان را در هم می‌کوبد، و نه بر اعمال مسرفان و تجمل‌پرستان و شکمخواران صحنه می‌گذارد، مخصوصاً در جوامعی که افراد محروم و بینوا وجود داشته باشد حتی از زینتهای معتدل نیز نهی می‌کند، و لذا می‌بینیم در بعضی از روایات هنگامی که از بعضی امامان سؤال می‌کردند چرا لباس فاخر پوشیده‌اید در حالی که جد شما علی (ع) چنین لباسی در تن نمی‌کرد؟ در پاسخ می‌فرمودند مردم آن زمان در شدت و فشار بودند و می‌بایست چنین شود، اما مردم زمان ما زندگی مرفه‌تری دارند و در چنین شرائطی استفاده از این زینتها (در حدود معقول) مانعی ندارد. (۱۵).

اسراف در استفاده از منابع طبیعی:

در تفسیر آیهی ۲۸ سورهی اسراء در ارتباط با عدم اسراف در مواهب خدادادی و طبیعی آمده است بدون شک، نعمتها و مواهب موجود در کره زمین، برای ساکنانش کافی است، اما به یک شرط و آن اینکه بیهوده به هدر داده نشوند، بلکه به صورت صحیح و معقول و دور از هرگونه افراط و تفریط مورد بهره‌برداری قرار گیرد، و گرنه این مواهب آن قدر زیاد و نامحدود نیست که با بهره‌گیری نادرست، آسیب نپذیرد.

و ای بسا اسراف و تبذیر در منطقه‌ای از زمین باعث محرومیت منطقه دیگری شود، و یا اسراف و تبذیر انسانهای امروز باعث محرومیت نسلهای آینده گردد.

آن روز که ارقام و آمار، همچون امروز دست انسانها نبود، اسلام هشدار داد که در بهره‌گیری از مواهب خدا در زمین، اسراف و تبذیر روا مدارید. (۱۵).

اسراف در انفاق:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۸)

«و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.» (۸) (۱۵)

کلمه «انفاق» به معنای بذل مال و صرف آن در رفع حوائج خویشتن و یا دیگران است و کلمه «اسراف» به معنای بیرون شدن از حد است، اما بیرون شدن از حد اعتدال به طرف زیاده روی و در خصوص مساله انفاق، زیاده روی و تجاوز از حدی است که رعایت آن حد سزاوار و پسندیده است... کلمه «قوام» - به فتح قاف - به معنای حد وسط و معتدل است و همین کلمه به کسره قاف به معنای مایه چیز است و جمله «بین ذلك» متعلق است به قوام، و معنایش این است که: بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاقشان همواره در حد وسط و میان اسراف و إقتار (۱۹).

مواد و روش‌ها

این پژوهش با روش تحلیل محتوای قیاسی با روش مایرینگ، به تبیین و تحلیل اسراف در کارهای حلال از منظر قرآن کریم و الزامات تربیتی آن می‌پردازد.

و اگر ساختمان روح و جسم انسان را در نظر بگیریم می‌بینیم که تعلیمات اسلام در این زمینه درست هماهنگ و یژگیهای روح انسان و ساختمان جسم او است.

توضیح اینکه: به گواهی روانشناسان، حس زیبایی یکی از چهار بعد روح انسانی است، که به ضمیمه حس نیکی، و حس دانایی، و حس مذهبی، ابعاد اصلی روان آدمی را تشکیل می‌دهند، و معتقدند تمام زیباییهای ادبی، شعری، ... (۱۵).

«خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت، من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد برگیرید.» ... (۱۵).

در اسلام: استفاده کردن از زیباییهای طبیعت، لباسهای زیبا و متناسب، به کار بردن انواع عطرها، و امثال آن، نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به آن توصیه و سفارش نیز شده است، و روایات زیادی در این زمینه از پیشوایان مذهبی در کتب معتبر نقل شده است.

به عنوان نمونه در تاریخ زندگی امام حسن مجتبی (ع) می‌خوانیم هنگامی که به نماز برمی‌خواست بهترین لباسهای خود را می‌پوشید سؤال کردند چرا بهترین لباس خود را می‌پوشید؟ فرمود:

ان الله جميل يحب الجمال، فاتجمل لربي و هو يقول خذوا زينتكم عند كل مسجد.

«خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و به همین جهت، من لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم و هم او دستور داده است که زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد برگیرید»

در حدیث دیگری می‌خوانیم که یکی از زاهدان ریایی به نام «عباد بن کثیر» با «امام صادق» (ع) روبرو شد، در حالی که امام (ع) لباس نسبتاً زیبایی بر تن داشت، به امام گفت: تو از خاندان نبوتی، و پدرت (علی ع) لباس بسیار ساده می‌پوشید چرا چنین لباس جالبی بر تن تو است؟ آیا بهتر نبود که لباسی کم‌اهمیت‌تر از این می‌پوشیدی، امام فرمود: وای بر تو ای عباد! من حرم زینة الله الّتی أخرج لعباده والطيبات من الرزق:

«چه کسی حرام کرده است زینتهایی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزهای پاکیزه را؟» ... و روایات متعدد دیگر. (۱۵)

این تعبیر که خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد، و یا تعبیر به اینکه خداوند زیباییها را آفریده، همگی اشاره به این حقیقت است که اگر استفاده از هر گونه زیبایی، ممنوع بود، خداوند هرگز اینها را نمی‌آفرید، آفرینش زیباییها در جهان هستی خود دلیل بر این است که خالق زیباییها آن را دوست دارد.

ولی مهم اینجاست که غالباً در این‌گونه موضوعات، مردم راه افراط را می‌پویند، و با بهانه‌های مختلف رویه تجمل‌پرستی می‌آورند، و به همین دلیل قرآن مجید - همانطور که گفتیم - بلافاصله بعد از ذکر این حکم اسلامی از اسراف و زیاده‌روی و تجاوز از حد، مسلمانان را بر حذر می‌دارد، در بیش از بیست مورد در قرآن مجید به مسأله اسراف اشاره شده و از آن نکوهش گردیده است.

یافته ها

اسراف در عبادت:

عدم اسراف و تقصیر در عبادت و خالص بودن عبادت برای خدا و نتایج آن بنابراین، جمله «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» به ضمیمه «وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» این معنا را افاده می‌کند که: بر هر عابد واجب است که در عبادت خود توجه را از غیر عبادت، و در بندگی برای خدا توجه را از غیر خدا منقطع سازد. یکی از چیزهایی که غیر خدا است همان عبادت او است، پس عابد نباید به عبادت خود توجه کند زیرا عبادت توجه است نه متوجه الیه، و توجه به عبادت، معنای عبادت و توجه به خدا بودن آن را از بین می‌برد.

مفسرین را در معنای جمله «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ...» اقوال دیگری است: یکی اینکه «در نماز بطور مستقیم متوجه قبله هر مسجدی شوید» دیگر اینکه «در موقع سجده که همان موقع نماز است متوجه آن نقطه‌ای شوید که خدا دستور داده، و آن نقطه کعبه است» دیگر اینکه «وقتی در مسجدی وقت نمازی را درک کردید همانجا نمازتان را بخوانید، و نگویید باشد تا به مسجد محل خود برگردیم» دیگر اینکه «در موقع نمازهایی که باید به جماعت گزارد به سوی مسجد بروید» (۱۹).

و نیز از آن جمله است که «خدا را به خلوص اطاعت کنید و در عبادت بت‌ها را شریک او مگیرید» (۱۹).

و نیز از آن جمله آیه «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِنْ تَبَعِكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ» است که دلالت دارد بر تفرق به دو فریق.

احتمال دوم اینکه جمله «كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» در مقام تعلیل مضمون کلام سابق باشد. بنابراین احتمال، معنای آن کلام و این جمله چنین خواهد بود: در اعمال خود میانه‌رو باشید و خود را برای خدای سبحان خالص کنید، زیرا خدای سبحان آن موقعی که شما را آفرید به قضای حتمی خود، دو دسته‌تان کرد، و بنا را بر این گذاشت که یک دسته را هدایت کند و دسته دیگر گمراه شوند، و بدانید که به زودی به همان گونه که خلق‌تان کرد به سویس بازگشت می‌کنید، در آن روز نیز یک دسته هدایت یافته‌اند و دسته دیگر کسانی خواهند بود که به خاطر پیروی‌شان از شیطان دچار ضلالتند، پس میانه‌رو باشید و خود را خالص کنید تا از آنانی باشید که به هدایت خدا مهتدی شدند، نه از آنان که به ولایت و پیروی از شیطان گمراه گشتند.

بنابراین احتمال، آیه مورد بحث همان مفادی را می‌رساند که «آیه لِكُلِّ وَجْهٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاستَبِقُوا الخَيْرَاتِ اَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً»

در مقام بیان آن است، چون این آیه نیز با اینکه می‌فرماید: «برای هر کسی وجهه و هدفی است که خواه ناخواه به سوی آن خواهد رفت و از آن تخلف نخواهد کرد، چه آن هدف سعادت باشد و چه شقاوت» در عین حال (۱۹).

بازگشت به سوی خداوند و عدم توجه به خود در عبادت

پس بنا به گفته راغب مقصود از جمله مزبور این خواهد بود: «بگو پروردگار من امر به گرفتن بهره عادلانه و ملازمت میانه-

روی در همه امور و ترک افراط و تفریط کرده» و معلوم است که راه میانه در عبادت این است که مردم به سوی خدا بازگشت نموده به جای پرستش بت‌ها و تقلید از بزرگان قوم به معابد در آمده خدا را به خلوص عبادت کنند.

وجوهی که در معنای جمله: «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» گفته شده است ...

... «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» - این جمله به حسب ظاهر معطوف است به چیزی که رسول خدا (ص) باید به مردم برساند، برای اینکه جمله «پروردگار من امر به میانه‌روی کرده» در حقیقت به منزله این است که بفرماید: «میانه‌رو باشید». و بنابراین، تقدیر این دو جمله چنین است: «باید میانه‌رو باشید و روی خود را متوجه هر مسجد کنید».

وجه هر چیز آن قسمتی است که با آن با چیزهای دیگر روبرو می‌شود، و اقامه وجه در هنگام عبادت در یک انسان کامل عبارت از این است که خود را طوری سازد و آن چنان حواس خود را تمرکز دهد که امر به عبادت قائم به او شود و او بتواند آن امر را بطور کامل و شایسته و بدون هیچ نقصی امثال کند. پس برگشت اقامه وجه در هنگام عبادت به این است که انسان در این موقع دلش چنان مشغول خدا باشد که از هر چیز دیگری منقطع شود.

بنابراین، جمله «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» به ضمیمه «وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» این معنا را افاده می‌کند که: بر هر عابد واجب است که در عبادت خود توجه را از غیر عبادت، و در بندگی برای خدا توجه را از غیر خدا منقطع سازد. یکی از چیزهایی که غیر خدا است همان عبادت او است، پس عابد نباید به عبادت خود توجه کند زیرا عبادت توجه است نه متوجه الیه، و توجه به عبادت، معنای عبادت و توجه به خدا بودن آن را از بین می‌برد. ... (۱۹).

عدم اسراف در بخشش و انفاق و آثار بخشش بیش از حد

نهی از افراط و تفریط در انفاق
«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (۲۰).

«در انفاق به محتاجان زیاده روی ممکن) نه بخل بورز که گویی دستت را به گردنت بسته‌اند و نه آن چنان باز کن که چیزی (برای روز مبادا) نزد خود نگذاری آن وقت تهی‌دست بنشین و خود را ملامت کنی.» (۲۰) (۱۹).

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا».

«دست به گردن بستن» کنایه است از خرج نکردن و خسیس بودن و خودداری از بخشش نمودن، درست مقابل «بسط ید» است که کنایه از بذل و بخشش می‌باشد و این که هر چه به دستش آید از دست خود فرو بریزد، بطوری که هیچ چیز برای خود باقی نمی‌گذارد، مانند کسی که کاملاً دست خود را در مقابل باران گشوده و حتی قطره‌ای از آن در دست وی باقی نمی‌ماند، و این تعبیر بلیغ‌ترین و رساترین تعبیر در مورد نهی از افراط و تفریط در انفاق است.

فعالیت و سامان دادن به زندگی خود وامی‌ماند، برهنه از نیروها و سرشار از غم می‌گردد، و طبعاً از ارتباط و پیوند با مردم نیز قطع خواهد شد...

این پیش آمد زبان کفار را باز کرد، گفتند: محمد خواب مانده یا مشغول لهو و سرگرمی است و نمازش را بدست فراموشی سپرده است. (۱۵).

اعتدال در انفاق از بیت‌المال
و لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ و فرمان افراط‌گران را پیروی نکنید (۹).

خداوند قرآن می‌فرماید: «از رفتار رؤسای مسرف ستمگر پیروی نکنید» (۹)؛ می‌دانیم اسراف همان تجاوز از حد قانون آفرینش و قانون تشریح است، این نیز روشن است که در یک نظام صحیح هرگونه تجاوز از حد موجب فساد و از هم گسیختگی می‌شود، و به تعبیر دیگر سرچشمه فساد، اسراف است و نتیجه اسراف فساد. البته باید توجه داشت که اسراف معنی گسترده‌ای دارد. (۱۵).

هدر دادن منابع ملی و درست مصرف نکردن بودجه عمومی کشور، یکی از بزرگ‌ترین خطرهایی است که همه نظام‌های سیاسی را - بویژه نظام‌هایی که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مردم سالاری دینی‌اند - تهدید می‌کند. از این رو، اصلاح الگوی مصرف از امکانات ملی، به مراتب، مهم‌تر، ضروری‌تر و فوری‌تر از اصلاح الگوی مصرف از درآمدهای فردی است.

رعایت اولویت‌هایی که موجب استفاده بهینه از منابع ملی و بودجه عمومی است، به مراتب، مهم‌تر از رعایت اولویت‌ها در هزینه کردن از منابع شخصی است. از این رو، بر همه مدیران در نظام اسلامی، فرض است که با همه توان خود تلاش کنند تا از منابعی که از بودجه عمومی در اختیار دارند، به بهترین وجه، برای مصالح مردم استفاده نمایند و بدین سان، در آزمون امانتداری اموال عمومی، موفق باشند:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیور برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند.

بی‌تردید، تلاش برای استفاده بهینه از منابع و امکانات ملی، یکی از مصادیق بارز این آیه کریمه، و موفقیت در این تلاش، دستیابی به پاداش بهترین عمل است.

یکی از لوازم اجتناب‌ناپذیر استفاده بهینه از منابع و امکانات ملی، صرفه‌جویی همراه با تدبیر، در مصرف بودجه عمومی است. امام علی (ع) در این باره، بخش‌نامه‌ای به کارگزاران حکومتی خود دارد که بسیار قابل تأمل و آموزنده است. متن این بخش نامه، چنین است:

أدقوا أفلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنی فضولکم و اقصداوا قصد المعانی و ایاکم و الإکتثار فإن أموال المسلمین لا تحتل الإضرار.

قلم‌هایتان را تیز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، (در نگارش) برای من، زیادی‌ها را حذف کنید و به معنا بنگرید، و از زیاده‌نویسی بپرهیزید؛ چرا که بیت‌المال مسلمانان، زیان بر نمی‌تابد.

و جمله «فَتَقَعْدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» فرع جمله «و لَا تَبْسُطْهَا...» است، و کلمه «محسوراً» از ماده «حسر» است که به معنای انقطاع و یا عریان شدن است و در این آیه این معنا را می‌رساند که دست خویش تا به آخر مگشای و بیش از حد دست و دلباز نباش که ممکن است روزی زانوی غم بغل کرده و دست از همه جا بریده شود و دیگر نتوانی خود را در اجتماع ظاهر ساخته و با مردم معاشرت کنی.

بعضی «۲» گفته‌اند که جمله «فَتَقَعْدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» متفرع است بر هر دو جمله «و لَا تَجْعَلْ يَدَكَ...» و «و لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» نه تنها به جمله آخری (و لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ) و معنایش این است که اگر از خرج کردن خودداری کنی و بخل بورزی سرانجام ملامت و مذمت شده و در گوشه‌ای خواهی نشست، و اگر زیاده روی کنی حسرت خورده و مغموم و پشیمان خواهی شد. (۱۵).

در روایات می‌خوانیم که بعد از نزول این آیه هنگامی که کسی چیزی از پیامبر ص می‌خواست و حضرت چیزی نداشت که به او بدهد می‌فرمود:

یرزقنا الله (۱۵).

و ایاکم من فضله:

«امیدوارم خدا ما و تو را از فضلش روزی دهد» در سنتهای قدیمی ما به هنگام برخورد با سائل چنین بوده و هست که هنگامی که تقاضا کننده‌ای به در خانه می‌آمد و چیزی برای دادن موجود نبود به او می‌گفتند: «ببخش»، اشاره به اینکه آمدن تو بر ما حقی ایجاد می‌کند و از نظر اخلاقی از ما چیزی طلبکار هستی و ما تقاضا داریم که این مطالبه اخلاقی خود را بر ما ببخشی چرا که چیزی که پاداش آن باشد موجود نداریم! و از آنجا که رعایت اعتدال در همه چیز حتی در انفاق و کمک به دیگران، شرط است، در آیه بعد روی این مسأله تأکید کرده می‌گوید: «دست خود را بر گردن خویش بسته قرار مده» (و لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ).

این تعبیر کنایه لطیفی است از اینکه دست دهنده داشته باش، و همچون بخیلان که گویی دستهایشان به گردنشان با غل و زنجیر بسته‌اند و قادر به کمک و انفاق نیستند مباش.

از سویی دیگر «دست خود را فوق العاده گشاده مدار، و بذل و بخشش بی حساب مکن که سبب شود از کار بمانی، و مورد ملامت این و آن قرار گیری، و از مردم جدا شوی» (و لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقَعْدَ مَلُومًا مَحْسُورًا).

همانگونه که «بسته بودن دست به گردن» کنایه از بخل، «گشودن دستها به طور کامل» آن چنان که از جمله «و لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» استفاده می‌شود کنایه از بذل و بخشش بی حساب است.

و «تقعد» که از ماده «قعود» به معنی نشستن است کنایه از توقف و از کار افتادن می‌باشد.

تعبیر به «ملوم»، اشاره به این است که گاه بذل و بخشش زیاد نه تنها انسان را از فعالیت و ضروریات زندگی بازمی‌دارد بلکه زبان ملامت مردم را بر او می‌گشاید...

در مورد مسأله انفاق و بخشش اگر از حد بگذرد و تمام توان و نیروی انسان جذب آن گردد، طبیعی است که انسان از ادامه کار و

حکمت او است و حکمتش ایجاب می‌کند که هر کس تلاش بیشتر باشد سهمش فزونتر و هر کس کمتر باشد محرومتر گردد.

بعضی از مفسران در پیوند این آیه با آیات قبل، احتمال دیگری را پذیرفته‌اند و آن اینکه آیه اخیر در حکم دلیل برای نهی از افراط و تفریط در انفاق است، می‌گوید حتی خداوند با آن قدرت و توانایی که دارد در بخشش ارزاق حد اعتدال را رعایت می‌کند، نه آن چنان می‌بخشد که به فساد کشیده شوند، و نه آن چنان تنگ می‌گیرد که به زحمت بیفتند، همه اینها برای رعایت مصلحت بندگان است.

بنابراین سزاوار است که شما هم به این اخلاق الهی متخلق شوید، طریق اعتدال در پیش بگیرید، و از افراط و تفریط بپرهیزید. (۱۵). «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (۲۴).

«چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطینند، و شیطان کفران (نعمتهای) پروردگارش کرد» (۲۴) (۱۵).

... رعایت اعتدال در انفاق و بخشش.

در این آیات فصل دیگری از سلسله احکام اصولی اسلام را در رابطه با ادای حق خویشاوندان و مستمندان و در راه ماندگان، و همچنین انفاق را بطور کلی، دور از هر گونه اسراف و تبذیر بیان می‌کند.

نخست می‌گوید: «حق ذی القربی و نزدیکان را به آنها بده» (و آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ).

«و همچنین مستمندان و در راه ماندگان را» (و الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ):

در عین حال «هرگز دست به تبذیر نیالی» (وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا).

«تبذیر» در اصل از ماده «بذر» و به معنی پاشیدن دانه می‌آید، منتها این کلمه مخصوص مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و فساد، مصرف می‌کند، و معادل آن در فارسی امروز «ریخت‌وپاش» است.

و به تعبیر دیگر تبذیر آنست که مال در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد، و اگر در موردش صرف شود تبذیر نیست هر چند زیاد باشد.

چنان که در تفسیر عیاشی از امام صادق ع می‌خوانیم: که در ذیل این آیه در پاسخ سؤال کننده‌ای فرمود:

من انفق شيئاً في غير طاعة الله فهو مبذر و من انفق في سبيل الله فهو مقتصد:

«کسی که در غیر راه اطاعت فرمان خدا مالی انفاق کند، تبذیر کننده است و کسی که در راه خدا انفاق کند میانه رو دقت در مسأله اسراف و تبذیر تا آن حد است (۱۵).

که در حدیثی می‌خوانیم پیامبر (ص) از راهی عبور می‌کرد، یکی از یارانش بنام سعد مشغول وضوء گرفتن بود، و آب زیاد می‌ریخت، فرمود: چرا اسراف می‌کنی ای سعد! عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ فرمود:

نعم و ان كنت على نهر جار:

«آری هر چند در کنار نهر جاری باشی»

این بخش‌نامه، بدین معناست که سیاست صرفه‌جویی در اموال عمومی باید به صورت قانون و دستورالعمل، به کارگزاران نظام اسلامی ابلاغ شود و آنان موظف‌اند برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از وقت خود و مدیریت‌های بالاتر از خود و امکانات ملی نهایت صرفه‌جویی را داشته باشند. (۲۱).

سنت خداوند در مورد انفاق به بندگان

«وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا» (۲۲).

«و حق نزدیکان را بپرداز و (همچنین) مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر مکن» (۲۲) (۱۵).

«إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا».

از ظاهر سیاق بر می‌آید که این آیه در مقام تعلیل مطالب آیه قبل است که از افراط و تفریط در انفاق نهی می‌کرد. (۱۹).

و معنایش این است که این دأب و سنت پروردگار است که بر هر کس بخواهد روزی دهد فراخ و گشایش دهد و برای هر که نخواهد، تنگ بگیرد و سنت او چنین نیست که بی‌حساب و بی‌اندازه فراخ سازد و یا بکلی قطع کند، آری او مصلحت بندگان را رعایت می‌کند، چرا که او به حال بندگان خود خبیر و بینا است، تو نیز سزاوار است چنین کنی و متخلق به اخلاق خدا گردی و راه وسط و اعتدال را پیش گرفته از افراط و تفریط بپرهیزی. (۱۹).

اعتدال در انفاق باعث دوری از طغیان و فقر می‌شود «وَأِمَّا تُعْرَضْنَ عَنْهُمْ أُبْتَغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا» (۲۳).

«و هر گاه از آنها (یعنی مستمندان) روی برتابی و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی) با گفتار نرم و آمیخته لطف با آنها سخن بگو» (۲۳) (۱۵).

آخرین آیه مورد بحث گویی اشاره به پاسخ همین سؤال است، می‌فرماید:

«خداوند روزیش را بر هر کس بخواهد گشاده می‌دارد و بر هر کس بخواهد تنگ، چرا که او نسبت به بندگان آگاه و بینا است» (إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا).

این یک آزمون برای شما است و گرنه برای او همه چیز ممکن است، او می‌خواهد به این وسیله شما را تربیت کند، و روح سخاوت و فداکاری و از خود گذشتگی را در شما پرورش دهد. (۱۵).

به علاوه بسیاری از مردم اگر کاملاً بی‌نیاز شوند راه طغیان و سرکشی پیش می‌گیرند، و صلاح آنها این است که در حد معینی از روزی باشند، حدی که نه موجب فقر گردد نه طغیان.

از همه اینها گذشته وسعت و تنگی رزق در افراد انسان (بجز موارد استثنایی یعنی از کار افتادگان و معلولین) بستگی به میزان تلاش و کوشش آنها دارد و اینکه می‌فرماید خدا روزی را برای هر کس بخواهد تنگ و یا گشاده می‌دارد، این خواستن هماهنگ با

لیکن این معنا از سیاق آیه بعید است علاوه بر این، لازمه‌اش این است که تنها ضمیر «انه» به مقتول برگردد. (۱۵). اسراف در کارهای اقتصادی:

عدم اسراف در فروش و درستکاری اقتصادی و آثار آن
 «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ
 أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (۲۶).

«و چون با پیمانانه داد و ستد کنید، پیمانانه را تمام دهید و با ترازوی درست وزن کنید، که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است». (۲۶). (۱۹).

نکته‌ها:

«قسطاس»، از ترکیب دو کلمه‌ی «قسط» به معنای عدل و «طاس» به معنای کفه‌ی ترازو می‌باشد. در حدیث آمده است: امام معصوم، نمونه و مصداق «قسطاس مستقیم» در جامعه‌ی اسلامی است.

مسائل داد و ستد و، چنان مهم است که قرآن بارها روی آن تأکید کرده و بزرگ‌ترین آیه قرآن، مربوط به آن و سوره‌ای به نام «مطففین» (کم‌فروشان) نام نهاده شده است. اولین دعوت بعضی پیامبران، همچون حضرت شعیب نیز ترک کم‌فروشی بوده است. پیام‌ها:

۱- بازار مسلمانان، باید از تقلب و کم‌فروشی دور باشد و فروشنده‌ی آن باید امین، دقیق، درستکار و با حساب و کتاب باشد. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ»

۲- ایفای کیل و پیمانانه‌ی صحیح، از نمونه‌های وفای به پیمان است که در آیه‌ی قبل گذشت، زیرا معامله، نوعی تعهد است. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ... وَأَوْفُوا الْكَيْلَ»

۳- ترازو و وسایل سنجش و محاسبات تجاری، باید سالم و دقیق باشد. «وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ»

۴- دقت در ترازو، وزن و محاسبات، عامل خیر و برکت است و کم‌فروشی، خیر و برکت را می‌برد. «ذَلِكَ خَيْرٌ»

۵- فلسفه‌ی فرمان‌های الهی، خیر خود انسان‌هاست. «وَأَوْفُوا، زِنُوا... ذَلِكَ خَيْرٌ»

۶- درستکاری اقتصادی، برتر از دارایی و کسب مال از راه کم‌فروشی است. (۲۷).

نتیجه داد و ستد درست

نتیجه‌ی داد و ستد درست و رعایت حقوق مردم، به خود انسان باز می‌گردد، چون ایجاد اعتماد می‌کند، ولی کم‌فروشی و نادرست بودن میزان و حساب، جامعه را به فساد مالی و سلب اعتماد می‌کشاند. پس پایان و پیامد خوب، در گرو درستکاری است. «ذَلِكَ خَيْرٌ» کسب صحیح، موجب خوش عاقبتی است. «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» کم‌فروش گرچه به سود موقت می‌رسد، ولی از دست دادن اعتبار دنیوی و فراهم شدن عذاب اخروی، کار او را بدفراجم می‌کند. ... (۲۷).

۶- مبارزه با کم‌فروشی

آخرین حکم در آخرین آیه مورد بحث در رابطه با عدالت در پیمانانه و وزن و رعایت حقوق مردم و مبارزه با کم‌فروشی است می‌فرماید: «هنگامی که با پیمانانه چیزی را می‌سنجید حق آن را اداء کنید» (وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ).

در اینکه منظور از ذی القربی در اینجا همه خویشاوندان است یا خصوص خویشاوندان پیامبر (ص) (زیرا مخاطب در آیه او است) در میان مفسران گفتگو است.

نهی از تبذیر و یا مدارای با سائل و مستمند و یا نهی از بخل و اسراف، همه به صورت خطاب به پیامبر ص ذکر شده، در حالی که می‌دانیم این احکام جنبه اختصاصی ندارد، و مفهوم آن کاملاً عام است. (۱۵).

توجه به این نکته نیز لازم است که نهی از تبذیر بعد از دستور به ادای حق خویشاوندان و مستمند و ابن سبیل اشاره به این است که مبادا تحت تأثیر عواطف خویشاوندی و یا عاطفه نوع‌دوستی در مقابل مسکین و ابن السبیل قرار بگیرید و بیش از حد استحقاقشان به آنها انفاق کنید و راه اسراف را بی‌فویید که اسراف و تبذیر در همه جا نكوهیده است. (۱۵).

اسراف در احکام قضایی:

عدم اسراف در قتل و کیفیت قصاص قاتل
 «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (۲۵).

«و خونی را که خدا محترم شمرده مریزید، مگر آنکه کشتن او حق باشد، و کسی که بی‌گناهی را بکشد ما برای ولی او سلطنت و قدرت قانونی قرار داده‌ایم (که می‌تواند قاتل را بکشد) پس نباید کسی در خونریزی از حد تجاوز کند که کشته بی‌گناه به وسیله قانون یاری شده» (۲۵) (۱۹).

معنای جمله: «فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»
 «و مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»

مقصود از اینکه فرمود: «ما برای ولی مقتول سلطانی قرار دادیم» همین است که او را در قصاص از قاتل سلطنت و اختیار داده‌ایم، و ضمیری که در «فَلَا يَسْرِفُ» و در «انه» هست به ولی برمی‌گردد و مقصود از «منصور بودن او» همان مسلط بودن قانونی بر کشتن قاتل است.

و معنای آیه این است که «کسی که مظلوم کشته شده باشد ما به حسب شرع برای صاحب خون او سلطنت قرار دادیم، تا اگر خواست قاتل را قصاص کند، و اگر خواست خونها بگیرد، و اگر هم خواست عفو کند، حال صاحب خون هم باید در کشتن اسراف نکند، و غیر قاتل را نکشد، صاحب خون نباید غیر قاتل را بکشد و یا بیش از یک نفر را به قتل نرساند، و بداند که ما یاریش کرده‌ایم و به هیچ وجه قاتل از چنگ او فرار نمی‌کند، پس عجله به خرج ندهد و به غیر قاتل نپردازد».

بعضی دیگر از مفسرین احتمال داده‌اند که ضمیر در «فَلَا يَسْرِفُ» به قاتل برگردد، هر چند کلمه قاتل در آیه نیامده ولی سیاق بر آن دلالت دارد، و ضمیر «انه» به «من» برگردد در نتیجه معنا چنین باشد: «قاتلها بدانند که ما برای صاحبان مقتول که مظلوم کشته شده‌اند تسلط قرار دادیم، پس در آدم‌کشی اسراف نکنند، و به ظلم کسی را نکشند زیرا کسی که به ظلم کشته شود از ناحیه ما یاری شده است، چون ما صاحب خون او را تسلط قانونی داده‌ایم»، (۱۹).

«و با میزان و ترازوی صحیح و مستقیم وزن کنید» (وَزُنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ).

«چرا که این کار به سود شما است، و عاقبت و سرانجامش از همه بهتر است» (ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا).

زبان کم‌فروشی

نخستین نکته‌ای که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد این است که در قرآن مجید کرارا روی مسأله مبارزه با کم‌فروشی و تقلب در وزن و پیمانه تکیه و تأکید شده است، در یک جا رعایت این نظم را در ردیف نظام آفرینش در پهنه جهان هستی گذارده می‌گوید: وَالسَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ:

«خداوند آسمان را برافراشت و میزان و حساب در همه چیز گذاشت، تا شما در وزن و حساب تعدی و طغیان نکنید» (۲۸). (۱۵).

اشاره به اینکه مسأله رعایت عدالت در کیل و وزن مسأله کوچک و کم‌اهمیتی نیست، بلکه جزئی از اصل عدالت و نظم است که حاکم بر سراسر هستی است.

در جایی دیگر با لحنی شدید و تهدیدآمیز می‌گوید: وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا يُخْسِرُونَ، أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ: «وای بر کم‌فروشان! آنها که به هنگام خرید، حق خود را بطور کامل می‌گیرند، و به هنگام فروش از کیل و وزن کم می‌گذارند، آیا آنها گمان نمی‌کنند که در روز عظیمی برانگیخته خواهند شد، روز رستاخیز در دادگاه عدل خدا» (۲۹).

حتی در حالات بعضی از پیامبران در قرآن مجید می‌خوانیم که لبه تیز مبارزه آنها بعد از مسأله شرک متوجه کم‌فروشی بود، و سرانجام آن قوم ستمگر اعتنایی نکردند و به عذاب شدید الهی گرفتار و نابود شدند.

اصولاً حق و عدالت و نظم و حساب در همه چیز و همه جا یک اصل اساسی و حیاتی است، و همانگونه که گفتیم اصلی است که بر کل عالم هستی حکومت می‌کند، بنابراین هرگونه انحراف از این اصل، خطرناک و بد عاقبت است، مخصوصاً کم‌فروشی سرمایه اعتماد و اطمینان را که رکن مهم مبادلات است از بین می‌برد، و نظام اقتصادی را به هم می‌ریزد.

بسیار جای تأسف است که گاه می‌بینیم غیرمسلمانان در رعایت این اصل از بعضی از مسلمانان وظیفه‌ناشناس، پیشقدم‌ترند، و سعی می‌کنند اجناسشان را درست با همان وزن و پیمانه‌ای که روی آن نوشته‌اند بی‌کم و کاست به بازارهای جهان بفرستند و اعتماد دیگران را از این راه جلب کنند (۱۵).

آری آنها می‌دانند که اگر انسان اهل دنیا هم باشد راهش همین است که در معامله خیانت نکند.

این موضوع نیز قابل توجه است که از نظر حقوقی کم‌فروشان ضامن و بدهکار در برابر خریداران هستند و لذا توبه آنها جز به ادای حقوقی را که غصب کرده‌اند ممکن نیست، حتی اگر صاحبانش را نشناسند باید معادل آن را به عنوان رد مظالم از طرف صاحبان اصلی به مستمندان بدهند.

۲- نکته دیگر اینکه گاهی مسأله کم‌فروشی تعمیم داده می‌شود به گونه‌ای که هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود، به این ترتیب کارگری که از کار خود کم می‌گذارد، آموزگار و استادی که درست درس نمی‌دهد کارمندی که به موقع سرکار خود حاضر نمی‌شود و دلسوزی لازم را نمی‌کند، همه مشمول این حکمند و در عواقب آن سهیمند.

البته الفاظ آیاتی که در بالا گفته شد مستقیماً شامل این تعمیم نیست، بلکه یک توسعه عقلی است ولی تعبیری که در سوره «الرحمن» خواندیم: وَالسَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ اشاره‌ای به این تعمیم دارد.

۳- «قسطاس» به کسر قاف و ضم آن (بر وزن مقیاس و گاهی هم بر وزن قرآن نیز استعمال شده) به معنی ترازو است، بعضی آن را کلمه‌ای رومی، و بعضی عربی می‌دانند، و گاهی گفته می‌شود در اصل مرکب از دو کلمه «قسط» به معنی عدل و «طاس» به معنی کفه ترازو است، و بعضی گفته‌اند «قسطاس» ترازوی بزرگ است در حالی که «میزان» به ترازوهای کوچک هم گفته می‌شود.

به هر حال قسطاس مستقیم ترازوی صحیح و سالمی است که عادلانه وزن کند، بی‌کم و کاست! (۱۵).

اسراف در خرج و مخارج زندگی:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱۶).

«ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی اتخاذ کنید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید زیرا او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (۱۶). (۳۰).

امام صادق (ع) در ذیل آیه ۳۱ سوره اعراف می‌فرماید: «مال، مال خداوند است، آن را نزد انسان‌ها به امانت گذاشته و به آنان اجازه داده، به حد میانه بخورند و به حد اعتدال بنوشند و به حد اعتدال بپوشند و به حد اعتدال نکاح کنند و مرکب سواری در حد متوسط داشته باشند و افزون بر آن به فقیران مسلمانان برگردانند و با آن نابسامانی‌های زندگی اجتماعی خویش را برطرف سازند، فقط در این صورت است که آنچه را در راه خوردن، نوشیدن، سواری و ازدواج مصرف می‌کنند حلال است و در غیر این صورت حرام، پس فرمود، اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد» (۳۱).

اسراف در عهد و پیمان:

یکی دیگر از مصادیق اسراف، اسراف در عهد و پیمان است که

طبق آیات قرآن باید از آن دور بود:

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (۳۲).

«و به مال یتیم، جز به بهترین راه (که به نفع یتیم باشد) نزدیک نشوید، تا آنکه به حد بلوغ و رشدش برسد. (که آن‌گاه اموالش را به او برمی‌گردانید) و به پیمان وفا کنید، که (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد.» (۳۲) (۱۹)

... سپس به مسأله وفای به عهد پرداخته می‌گوید: «به عهد خود وفا کنید چرا که از وفای به عهد سؤال کرده می‌شود» (وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا).

۹. عدم اسراف در خرج و مخارج زندگی
۱۰. عدم اسراف در عهد و پیمان
۱۱. عدم اسراف در معاشرت‌های اجتماعی

نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و امکانات زندگی را مباح، روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند. این به این دلیل است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد. در این صورت، فرد اسراف کار به اجبار از اجرای مسئولیت و تعهدات اجتماعی خود بازمی‌ماند و از این رهگذر، بر پیکر جامعه ضربه می‌زند. دین اسلام، دین اعتدال، میانه روی و دوری از افراط و تفریط است. از منظر تعالیم دین اسلام، نه تنها مصرف کردن امری مذموم و ناپسند نیست، بلکه مورد تشویق هم واقع می‌شود. البته با رعایت شرایط خاصی همانند:

۱. اطعام مستمندان: «پس بخورید از آن و به مستمندان و فقیران طعام دهید» (۳۱).
۲. عدم اسراف: «و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید» (۴).
۳. میانه‌روی: امام علی(ع) می‌فرماید: «هر کس در زندگی میانه‌روی باشد، پیوسته بی‌نیاز خواهد بود و میانه‌روی کمبودهایش را جبران می‌کند».
۴. عدم تبذیر: امام عسکری (ع) می‌فرماید: میانه‌روی اندازه‌ای دارد. اگر از آن مقدار بگذرد، خسیسی و بخیلی است. در قرآن کریم واژه‌ی «اسراف» و مشتقات آن بارها به کار رفته است، در بیست و سه مورد لفظ «اسراف» استعمال شده که در هر مورد، این واژه مفهومی ویژه دارد. در غالب موارد، مقصود از «اسراف»، جنبه‌های اخلاقی، عقیدتی و تجاوز از حدود الهی است، تنها در چهار مورد، اسراف جنبه مالی را شامل می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «این‌گونه برای اسرافکاران اعمالشان زینت داده شده است» (۵)؛ «اطاعت فرمان مسرفان نکنید» (۹) «و به راستی فرعون برتری جویی (و طغیان) در زمین روا داشت و او از اسراف‌کاران بود» (۱۰) «آنان که در هنگام انفاق نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، بلکه بین این دو راه اعتدال را انتخاب می‌کنند» (۸).

آنچه که مذموم و موجب هدر رفتن منابع ملی است، مصرف نامناسب، نامتعارف و یا عدم برخورداری از الگوی صحیح مصرف در جامعه است که موجب مصرف‌گرایی، زیاده‌روی و تجمل‌گرایی در جامعه می‌گردد. از این‌رو، فرهنگ‌سازی مصرف‌بینه و اصلاح زمینه‌های الگوهای مصرفی در کشور از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است. از مهم‌ترین آثار و پیامدهای اسراف و مصرف‌گرایی در جامعه اسلامی، که موجب کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای دینی و معنوی می‌شود، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. اسراف در خوردن و آشامیدن حلال
۲. اسراف در استفاده از زینت‌ها
۳. اسراف در استفاده از منابع طبیعی
۴. اسراف در عبادت

۵. اسراف در انفاق
۶. اسراف در احکام قضایی
۷. عدم اسراف در قتل و کیفیت قصاص قاتل
۸. اسراف در کارهای اقتصادی
۹. اسراف در خرج و مخارج زندگی
۱۰. اسراف در عهد و پیمان
۱۱. اسراف در معاشرت‌های اجتماعی

اسلام دین اعتدال و میانه‌روی است از طرفی امر به اصلاح مال و صرف آن در مصارف مشخص در حد کفاف و شأن افراد می‌نماید از طرف دیگر از رفتارهای ناپه‌نجان مثل اسراف و تبذیر و ثروت-اندوختن دور می‌دارد.

از نگاه قرآن چگونگی گذراندن زندگی انسان از جمله نحوه دخل و خرج او تأثیرگریز ناپذیر و حتمی بر چگونگی حیات جاودان او در سرای آخرت دارد.

مجموعه دستورات و تجویزات اسلام برای زندگی را سبک زندگی اسلامی است یعنی دستوراتی که به واسطه آیات و روایات از جانب خداوند خالق حکیم به بندگان ابلاغ می‌شود و باعث سعادت دنیا و آخرت آنان می‌باشد...

در میان ادیان اسلام به دلیل تأثیرگذاری بر سبک زندگی پیروان خود مقام برجسته را دارد زیرا تنها به ارائه اصول و ارزشها کلی بسنده نکرده و سنن و قوانین عملی بسیاری برای حوزه‌های مختلف زندگی دارد

سبک زندگی که اسلام ارائه می‌دهد طرح مهندسی ویژه‌ای را برای کاربرد در زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌کند.

مصرف‌گرایی در ادبیات دینی معادله مشخصی ندارد اما با مفاهیمی مانند اسراف، تبذیر، اتلاف مرتبط است اسلام دین اعتدال و میانه‌روی از طرفی امر به اصلاح مال و صرف آن در مصارف مشخص در حد کفاف و شأن افراد کرده از طرف دیگر از رفتارهای ناپه‌نجان اسراف، تبذیر، اتلاف، ثروت اندوختن برحذر داشته انواع مصرف در اسلام شامل مصارف ۱. واجب ۲. مستحب ۳. حرام ۴.

مکروه ۵. مباح می‌باشد باید کلیه شأن زندگی در صراط مستقیم و حد اعتدال قرار گیرد. و معیار حد اعتدال در مورد مصرف با عرف است با توجه به اهمیت سبک زندگی اسلام رهبر معظم انقلاب اسلامی سال ۸۸ را سال اصلاح الگوی مصرف نامگذاری نمودند و توجه دوست را به یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت کشور در دستور کار دولت و ملت قرار دادند گرچه ایشان در سال ۷۵ نیز فرمودند «انضباط اقتصادی داشته باشیم و اسراف نکنیم» و نظر به مهم بودن این مطلب این پیام چند سال متوالی ادامه یافت بنابراین با توجه به اهمیت موضوع هر فردی باید دین خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی اداء کند و راه‌حلهای اساسی برای توسعه اقتصادی و اصلاح الگو مصرف ارائه دهد (اصلاح الگوی مصرف، تنها اصلاح مصرف نیست بلکه اصلاح نحوه‌ای از زندگی است که مصرف در آن جایگاه ویژه‌ای دارد)

چرا که قرآن از جانب خداوند متعال نازل شده است و به عقیده ما مسلمانان و در آیات قرآن راه رسم و زندگی و سعادت انسانی را به ما نشان می‌دهد.

Lifestyle from the Viewpoint of the Supreme Leader in the Mirror of Verses and Traditions, 2015, Journal of Cultural Management.

8. Hosseinzadeh, Ali, Explaining the most important emotionally harmful methods in education based on the verses of the Holy Quran and the hadiths of the Imams, 2016.

9. Hosseini, Mohammad Hossein, Extravagance, Factors and Strategies to Combat It, 2011, Computer Research Center of Islamic Sciences.

10. Khashei, Vahid, Exploration of Islamic lifestyle in the field of consumer behavior from the perspective of Nahj al-Balagheh, 2016, Quarterly Journal of Islamic Management.

11. Khani, Hossein, Sociological Analysis of the Concept of "Lifestyle" in Western and Islamic Civilizations.

12. Dortaj, Fataneh, et al., Consequences of Extravagance and Consumerism, 2013, Institute of Humanities and Cultural Studies, Comprehensive Portal of Humanities.

13. Research Quarterly No. 3, second year, first issue, spring and summer 2010, pages 137-156.

14. Soleimani Baghshah et al., Amalbanin, Lifestyle in interaction with water based on Quranic teachings, 2017, Quarterly Journal of Quranic Studies.

15. Sidinia, Seyed Akbar, Consumption and Consumerism from the Perspective of Islam and Economic Sociology, 2009, Institute of Humanities and Cultural Studies, Comprehensive Portal of Humanities.

16. Shariati, Seyyed Sadr al-Din, An Introduction to the Islamic Lifestyle in Verses and Traditions, 2013, Quarterly Journal of Counseling Culture and Psychotherapy.

قرآن کریم با دعوت به اعتدال و میانه‌روی در تمام امور زندگی، در حقیقت بهترین الگوی مصرف را برای زندگی سعادت‌مندانه به آدمیان ارائه می‌دهد.

در آیین اسلام، درآمد‌های مشروع و کسب و کار و اموال حلال، جایگاه ویژه‌ای داشته و قرآن مجید آن را مایه قوام و هستی شخص و جامعه و مایه زینت و آرامش در زندگی این دنیا می‌خواند؛ آنجا که می‌فرماید: «ولاتوتواالسفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما...» و در جای دیگری می‌فرماید: «المال و البنون زینه الحیاه الدنیا...» انسان نیازهایی دارد که با توجه به امکانات موجود به رفع آنها می‌پردازد و برای رسیدن به مقصود خود، در سایه فکر و تدبیر، روش‌های متعددی را به کار می‌گیرد. از دیدگاه قرآن، انسان موجود نیازمندی است که خداوند برای رفع نیازهایش زمین را برای او رام کرده و امکانات و منابع آن را در اختیار وی قرار داده تا مصرف کند. قرآن با مطرح کردن مسئله اسراف و بیان مضرات آن و دعوت به اعتدال و میانه‌روی در تمام امور زندگی، در حقیقت بهترین الگوی مصرف را برای زندگی سعادت‌مندانه به آدمیان ارائه می‌دهد.

هدف این مقاله ارائه تبیین مبانی کاربردی الگوهای تربیتی مصرف حلال در سبک زندگی اسلامی می‌باشد زیرا مصرف به خودی خود امری است پسندیده که مورد تأیید اسلام قرار دارد رواج مصرف تا حد بهینه و با رعایت اعتدال موازین شرعی امری نکوه است اما زمانی که مصرف هدف زندگی قرار گیرد مضموم می‌باشد.

References

1. The Holy Quran.
2. Ahmadzadeh, Mohammad Alam, The Concept of Education in the Holy Quran, a Quarterly Journal of Islamic Culture and Education.
3. Aletghan, Vol. 1, p. 52.
4. Afshari, Mohammad Hossein, 2013, The concept of the word education and the view of thinkers on this science, pages 1 to 9, Mohaddes website.
5. Bagheri, Khosrow, et al., Approaches and Research Methods in the Philosophy of Education, 2010, Second Edition, Research Institute for Cultural and Social Studies.
6. Bakhtiarvand, Maryam, et al., The Educational Role of Zakat in the Islamic Lifestyle: Inference of Educational Principles, 2016, SID Website.
7. Banaian Sefid, Mohammad, A Conceptual Analysis of the Islamic-Iranian

17. Sharifi, Ahmad Hossein, Islamic-Iranian lifestyle, 2015, third edition, Aftab Tose'e Publications.
18. Sharifi, Ahmad Hossein, Lifestyle as an indicator for assessing the level of faith, 2012, pp. 49-62, SID website.
19. Sharifi, Inayatullah, et al., Family life style in the Quran and the tradition of the Infallible Leaders (AS), 2013, Journal of Quranic Knowledge.